تعدد قرائات، بحثی فقهی

عبارتی از مجمع البیان را خواندیم. ظاهراً به آخر مطلب رسیدیم. فرمودند:

ومن قال: إن شهر رمضان لا ينقص أبدا، استدل بقوله (ولتكملوا العدة).

> **وقال: بين تعالى أن عدة شهر رمضان محصورة، يجب صيامها على الكمال، ولا يدخلها نقصان ولا اختلال فالجواب عنه من وجهين أحدهما: إن المراد (أكملوا العدة) التي وجب عليكم صيامها. وقد يجوز أن يكون هذه العدة تارة ثلاثين، وتارة تسعة وعشرين والأخر: ما ذكرناه من أن المراد راجع إلى القضاء، ويؤيده أنه سبحانه ذكره عقيب ذكر السفر والمرض[1]**

آقایان فرمودند به بحث روایات عدد اشاره شود. ظاهراً تا به حال بحث نکرده‌ایم. موقعیتی فراهم شود تا تک‌تک روایات بررسی شود. امروز یک اشاره‌ای را عرض می‌کنم. البته می‌خواستم این مطالب در یک جلسه گفته شود و تمام شود، اما به نظرم در جلسه قبل مطالبی که می‌خواستم عرض کنم، به‌خاطر فرمایش خود آقایان نشد. من یک کلمه گفتم و دیگر مدام فرمایش آقایان سبب شد فرصت نشود. مانعی ندارد. بعضی از کسانی که در مباحثه ما بودند ابراز می‌کردند ما احساس کردیم که این بحث چقدر در فقه به درد ما می‌خورد. و متأسفانه در زمان ما بحث نشده. خیلی عجیب است که از قرن دوازدهم در اجماع اصحابنا الامامیه خدشه کردند و در زمان ما به این صورت شده که قرائات از علوم قرآنی شده. اصلاً از فقه رخت بربسته و حال اینکه به این صورت نبوده. الآن در زمان ما به این صورت شده که اینها مخلوط شده؛ یعنی مسأله قرائات جزء علوم قرآنی شده و اصلاً دیگر ربطی به فقه ندارد. درحالی‌که اینطور نبود. این مطلب کمی نیست که آدم توجه کند که در فقه به اینها نیاز داریم. عرض کردم برخی از نکات که یادم می‌آید، می‌گویم بخاطر این است که تنها یک کلمه نکته نیست؛ دلالت بر تفاوت یک فضای علمی. تا قرن دهم، بزرگان علماء شیعه در متن فقه، مسأله تعدد قرائات را به‌عنوان فقه مطرح می‌کردند. اما بعد از اینکه محدثینی در قرن یازدهم آمدند و حدیث حرف واحد را آوردند و اصولیین هم چون جوابی نداشتند معیت کردند، از قرن دوازدهم شروع به خدشه کردن در این اجماع می‌شود. خدشه ها هم سنگین می‌شود.

شاگرد: فقها از زاویه حجت محوری نگاه نمی کردند؟

استاد: بله، نگاه می‌کردند.

شاگرد: ای می‌خواستند به واقعش برسند؟ در علوم قرآنی می‌خواستند به واقع برسند.

استاد: اینها را جلوتر هم گفته‌ام. اما به‌عنوان یک نکات عرض می‌کنم که قرائات در فضای فقه شیعه، رنگ فقه داشته. به خلاف خدشه‌ای که به حرف آنها کرده‌ایم و حال شده علوم قرآنی محض. آن هم با چه تعبیرات تندی. اینها را قبلاً هم گفته‌ام ولی به‌عنوان صرفاً بحث فقهی. جناب قطب

راوندی رضوان‌الله‌علیه که در محضرشان هستیم! هر وقت مشرف می‌شوید حقوقی که ایشان بر حوزه و طلبه‌ها دارند ار یادتان نرود! رضوان‌الله‌علیه! بعد هم صاحب مقامات! بعد از چندین قرن بدن ایشان سالم مانده! قبر ایشان نزدیک ستون بوده و آن را درآورده‌اند و مرحوم آقای مرعشی آن را وسط صحن آوردند. در اینجا نبوده. سنگ قبرنوشتند. خلاصه ایشان شاگرد مرحوم طبرسی هستند. استاد ابن شهر آشوب هستند. در قرن ششم یک عالم بسیار بزرگی هستند. کتاب فقه القرآن برای ایشان است. در جواهر یا سایر کتب بگردید، در کتب فقهی مفصل باعنوان «فقه القرآن الراوندی» یا «فقه القرآن للراوندی» آدرس می‌دهند. نظرات ایشان تا الآن مورد اعتناء فقها بوده. ایشان در فقه القرآن سه جا دارند که تصریح می‌کنند. در اولین مورد تعبیرشان «علی مذهبنا» است. یعنی در زمان ایشان روشن بوده که مذهب این است. شاگرد طبرسی بوده. این حرف ایشان می‌گوید که بناء تفسیر استادشان بر چه چیزی بوده. خلاف آن چیزهایی که الآن به استادشان نسبت می‌دهند.

---

[1] مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات نویسنده : الشيخ الطبرسي جلد : ۲ صفحه : ۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 09:35:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 11:20:32 توسط ... .